**جلسه 39-151**

**سه‌شنبه - 28/09/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در این بود که برخی از بزرگان از جمله محقق حلی فرمودند قبله برای افراد قریب به مکه عین کعبه هست و برای افراد بعید از مکه سمت کعبه و جهت کعبه است.

و وجهی هم که ذکر شده گفتند اگر قبله عین کعبه باشد طول کعبه ده متر است حدودا در حالی که ما صف‌های جماعت‌مان در اینجا گاهی صد متر است. نماز عید فطر در بیایان می‌‌خواندند با صف بسیار طولانی. خب اگر این‌ها باید مواجه بشوند، متوجه بشوند به عین قبله آن وقت برخی ازاین‌ها قطعا به سمت عین قبله نیستند چون این‌ها صاف ایستادند و خط مستقیم از این‌ها مسلم از این صد متر خط مستقیم می‌‌رود به مکه، آنجا هم می‌‌شود صد متر و به آن ده متر دیوار کعبه می‌‌خورد که. نود خطش بیرون دیوار مکه است، ‌در حالی که سیره بوده که نماز جماعت می‌‌خواندند با صف‌های طولانی. و لذا گفتند که قبله برای بعید سمت کعبه است.

مرحوم فاضل مقداد سمت کعبه را معنا کرد گفت یک خطی از مشرق اعتدالی به مغرب اعتدالی بکشیم حالا توضیح دادیم روز بیست و سه تیر که خورشید در هنگام ظهر مکه روی کعبه است او می‌‌شود وسط خط، مشرق آن روز و مغرب آن روز. حالا بیان عرفیش این است که این خط را در نظر بگیرید، روبروی این خط بایستید.

ایشان غیر از این‌که این فرمایشش خلاف وجدان است، آن‌هایی که نزدیک مکه هستند مثل اهالی جده اصلا نیاز نیست که به سمت مکه رو کنند، به سمت آن خط رو می‌‌کنند. وانگهی آن‌هایی که در اقصی نقاط عالم هستند، ‌در مشرق عالم هستند یعنی به لحاظ ما که حساب می‌‌کنید مکان مسکونی‌شان در مشرق است، برای آن‌ها چطور تصویر می‌‌کنید؟ شما فقط برای مردم عراق و ایران و این‌ها که خودتان در این مناطق زندگی می‌‌کردید فکر کردید، برای آن‌ها فکری نکردید. و این فرمایش وجهی ندارد.

مقدس اردبیلی هم تمسک کرد به این‌که دین در امر قبله سخت‌گیری نکرده. شاهد آورد گفت در مسجد قبا بین نماز مسلمان‌ها متوجه شدند که قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام منتقل شده همان وسط نماز برگشتند سمت مسجد الحرام. خیلی عرفی برخورد کردند و الا اگر بخواهند دقیق برخورد کنند که وسط نماز چه جور تشخیص دادند که سمت مسجد الحرام کدام است. این‌ها مواجهه با عین مسجد الحرام را که لازم نمی‌دانستند. همین که عرفا بگویند به سمت مسجد الحرام است همین کافی است.

این نقل اشتباه است. چون ما در روایات خودمان روایت صحیحه داریم که این مطلب در مسجد ذوقبلتین رخ داده. ایشان در مسجد قبا می‌‌گوید رخ داد. حالا من برای این‌که مطلب مستند باشد عرض می‌‌کنم و الا مکان این نماز فرقی نمی‌کند، ‌اشکال به محتوای فرمایش ایشان نمی‌خواهم بگیرم. می‌‌خواهم عرض کنم از نظر نقل، ‌نقل ایشان نقل دقیقی نیست.

در صحیحه ابی بصیر این‌جور نقل می‌‌کند:‌ عن احدهما علیهما السلام قلت له ان الله امره ان یصلی الی بیت المقدس؟ آیا خدا امر کرد به پیامبر که به بیت المقدس نماز بخواند؟ قال نعم. این را توجه دارید در صحیحه حلبی هم هست، پیامبر در مکه جوری نماز می‌‌خواندند که هم قبله‌شان کعبه بود هم بیت المقدس. یعنی ظاهرا به آن سمت حجرا الاسود که می‌آیستادند روبروشان کعبه بود و یک خط مستقیم هم از آن رکن شامی می‌‌رفت به سمت بیت المقدس. این را در صحیحه حلبی هم بیان فرموده. هل کان رسول الله یصلی الی بیت المقدس؟ قال نعم فقلت أکان یجعل الکعبة خلف ظهره فقال اما اذا کان بمکة‌ لا، ‌در مکه نه، در مکه حضرت جوری می‌آیستادند که کعبه روبروی‌شان بود و یک خط مستقیمی هم به طرف بیت المقدس کشیده می‌‌شد. و اما اذا هاجر الی المدینة فنعم حتی حول الی الکعبة. در مدینه بله، ‌پشت به مسجد الحرام می‌آیستادند و رو به بیت المقدس تا تغییر قبله داده شد. حالا تغییر قبله که داده شد صحیحه ابی بصیر ببینیم چه می‌‌گوید؟ در صحیحه ابی بصیر می‌‌گوید که الاتری ان الله یقول و ما جعل القبلة التی کنت علیها الا لنعلم من یتبع الرسول ثم قال ان بنی عبدالاشهل أتوهم و هم فی الصلاة، بنی عبدالاشهل در مسجد ذو القبلتین نماز برگزار می‌‌کردند، ‌نماز بنی سالم ظاهرا اسمش بود، قد صلوا رکعتین الی بیت المقدس فقیل لهم ان نبیکم صَرف الی الکعبة به آن‌ها خبر دادند که پیغمبر آخرین نمازی که خواند به سمت مسجد الحرام نماز خواند، یا صُرف الی الکعبة فتحول النساء، خب چه کردند؟ در مسجد قبلتین بنی عبدالاشهد این کار را کردند، تحول النساء مکان الرجال، یک زنگ تنفسی دادند بین این رکعت دوم و رکعت سوم، زن‌ها که پشت سر مردها بودن آمدند جای مردها را گرفتند، مردها هم رفتند جای زن‌ها را رفتند، فجعلوا الرکعتین الباقیتین الی الکعبة فصلوا صلاة واحدة الی القبلتین و لذا سمی مسجدهم مسجد القبلتین. این‌که معروف است پیامبر در مسجد ذو القبلتین نماز خواند به دو سمت ما مدرک معتبری برایش ندیدیم. فقط در تفسیر قمی خودش می‌‌گوید ان الیهود کانوا یعیرون، نقل حدیث نمی‌کند، می‌‌گوید ان الیهود کانوا یعیرون برسول الله صلی الله علیه و آله و یقولون انت تابع لنا. یهود قبله‌شان بیت المقدس است.

[سؤال: ... جواب:] یک نماز را آنجا به دو سمت خواندند. یک نماز، یک رکعتش به سمت بیت المقدس، یک رکعتش به سمت مسجد الحرام. جاهای دیگر معلوم نیست یک نماز را بخشی از آن را به سمت بیت المقدس خوانده باشند. بخشی از آن را به سمت مسجد الحرام.

ان الیهود کان یعیرون برسول الله صلی الله علیه و آله و یقولون انت تابع لنا تصلی الی قبلتنا فاغتم من ذلک رسول الله صلی الله علیه و آله غما شدیدا و خرج فی جوف اللیل ینظر فی آفاق السماء ینتظر بامر الله تبارک و تعالی فلما اصبح و حضرت صلاة الظهر کان فی مسجد بنی سالم قد صلی بهم الظهر رکعتین فنزل جبرئیل فاخذ بعضدیه فحوّله الی الکعبة فانزل الله علیه قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبلة ترضیها فول وجهک شرط المسجد الحرام فصلی رکعتین الی الکعبة فقالت الیهود و السفهاء، سفهاء با یهود هم‌دست شدند، گفتند ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها و تحولت القبلة الی الکعبة‌ بعد ما صلی رسول الله صلی الله علیه و آله بمکة ثلاث عشر سنة الی بیت المقدس و بعد مهاجرته الی المدینة صلی الی البیت المقدس سبعة اشهر ثم حول الله عز و جل القبلة الی المسجد الحرام. این مسجد بنی سالم ظاهرا همان مسجد قبلتین است.

و لکن ایشان استناد نمی‌دهد این را به حدیث، حدیث معتبر همان صحیحه ابی بصیر است که مستند نمی‌کند این نماز را به دو سمت به پیامبر بلکه می‌‌گوید که بنی عبدالاشهل نماز که می‌‌خواندند قیل لهم ان نبیکم صُرف الی الکعبة؛ خود پیامبر آنجا حضور نداشت. حالا مهم نیست. اصل مدعای این بزرگان مثل مقدس اردبیلی این است که پس معلوم می‌‌شود که قبله این قدر دقیق نبود چون امام هم که نقل می‌‌کند فعل این مسلمین را در این صحیحه ابی بصیر ظاهرش این است که تقریر می‌‌کند که آن‌ها کار درستی کردند.

[سؤال: ... جواب:] فعل کثیر که نیست. این مقدار هم در این حال معفو بوده. دقیق به سمت مسجد الحرام که نایستادند پس معلوم می‌‌شود که این تدقیق لازم نیست. ... این‌جور گفتند. این‌جور هست در کتاب‌ها که اسم مسجدشان مسجد بنی سالم بوده، فسمی مسجد القبلتین؛ همین مسجد بنی سالم.

این استدلال تمام نیست. چرا؟‌ برای این‌که به قول آقای سیستانی این دلیل می‌‌شود که تشخیص دقیق قبله لازم نیست. اما اگر تشخیص دادیم چطور؟ لازم نیست قبله‌نما بگذاریم. رفتیم روستا، مردم روستا می‌‌گویند مسجد این طرف است، ما بگوییم آقا! کاظمین با آن عظمت معلوم نیست قبله‌اش مستقیم نیست، انحراف به طرف راست دارد، قبله‌اش را عوض کردند، حرم امیرالمؤمنین قبله‌اش مستقیم نیست انحراف به راست دارد. مسجد کوفه یک مقدار کم انحراف به راست دارد با این‌که محرابش مستقیم است. تنها مسجدی که علمی ثابت شده که قبله‌اش دقیق است مسجد النبی است. مسجد النبی مرحوم سردار کابلی هم تحقیق کرده، ‌دقیق قبله‌اش به همین نحو است که پیامبر تنظیم کرد. و این از معجزات پیامبر است. بله، لازم نیست تحقیق. هر جا با خودت می‌‌روی یک اینترنت هم ببری گوگل ارث بزنی، ‌دقیق می‌‌خواهم قبله را تشخیص بدهم. بابا! مردم منتظند نماز بخوانند، نماز بخوان. تدقیق لازم نیست، ‌درست، ما هم قبول داریم، سیره قطعیه بر این بوده.

[سؤال: ... جواب:] امام تقریر کرد. اگر بناء بود کار این‌ها اشتباه بود، ظاهر این بود که امام بیان می‌‌کرد. وانگهی سیره بر این بوده. سیره قطعیه مسلمین بر این بوده که با ابزارآلات دقیق تشخیص قبله را نمی‌دانند بلکه همان ابزارهای متعارف. ... چرا. می‌‌توانستند روز بیست و سه تیر، این معروف هم هست، در حاشیه لمعه هم هست، بیایند خورشید که در هنگام ظهر مکه بالای سر کعبه هست او را معیار قرار بدهند. او دقیق است. اما تشخیص و رفع جهل لازم نیست؛ از این روایات بلکه از سیره استفاده می‌‌شود. اما اگر ما اتفاقا فهمیدیم، آمدند به ما گفتند، گفتند ما قبله‌‌نما گذاشتیم، از گوگل ارث استفاده کردیم، قبله در اینجا یک مقدار کج است. آن وقت ما عمدا مستقیم نماز بخوانیم از این ادله استفاده نمی‌شود که این کار جایز است.

[سؤال: ... جواب:] مرحوم اردبیلی گفت قبله بعید جهة الکعبة است. مرحوم آقای بروجردی هم بعدا نقل می‌‌کنیم تایید کرده این‌ها را. فرموده بله ربع این دائره‌ای که هست مواجه با او بشویم کافی است که این را بعدا توضیح می‌‌دهم. تایید کردند. گفتند عالما عامدا هم این کار مانعی ندارد. ما به این ایراد داریم.

مرحوم آقای خوئی یک مطلبی را به استادشان نسبت دادند، فرمودند استاد ما هم این را گفتند. گفتند که برای متوجه شدن به یک سمت و استقبال یک سمت باید مقادیم بدن انسان به آن سمت باشد یعنی وجه انسان به آن سمت باشد.

[سؤال: ... جواب:] مسجد الحرام را از کجا تشخیص می‌‌دادند. ... الان فرق می‌‌کند. تا حالا رو به بیت المقدس می‌‌خواندند، اصلا مسجد الحرام را چه کار داشتند مردم مدینه. مردم مدینه سابقه یهودی‌گری داشتند یا سابقه مسیحی‌گری داشتند. بله، مشرکین قبله‌شان مسجد الحرام بود اما آن‌ها هم بالاخره معلوم نیست که دقیق نماز می‌‌خواندند، نمازهای خودشان، ‌همان ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاءا و تصدیة، به سمت مسجد الحرام نماز مشرکین برگزار می‌‌شد. آن‌ها هم مشرکین مدینه هم که بعد مسلمان شده بودند معلوم نیست آن‌ها هم دقیق می‌‌خواندند. آن وقت در بین این‌ها یهود بود، نصارای بودند، ‌این‌ها مسلمان شده بودند. خب وقتی مسلمان شده بودند این‌ها چه جور نماز می‌‌خواندند. جوان‌هایی که اصلا شرک را درک نکردند، ‌از وقتی مصعب بن عمیر آمد مدینه این‌ها مسلم شدند، ‌اصلا مشرک نبودند، خب به بیت المقدس نماز می‌‌خواندند. از کجا می‌‌خواهند بفهمند که مسجد الحرام و عین قبله کدام سمت است؟ این زن‌ها و مردها همه دقیق عین قبله را نشانه گرفتند و متوجه او شدند؟ استدلال ایشان این است. ... همین که به سمت شهر مکه نماز می‌‌خوانند می‌‌شود فرمایش مقدس اردبیلی که تدقیق لازم نیست.

مرحوم آقای خوئی فرموده که برای روبرو شدن انسان باید وجهش مقابل یک شیء قرار بگیرد. وجه انسان یعنی جبهه انسان‌ که چهار انگشت است و کل سر انسان یک کره است. همان کرة الارضی که با تسامح می‌‌گویند کره، ‌پستی و بلندی دارد، سر انسان هم کره است، ‌با همان پستی و بلندیش. ایشان فرموده بیست و هشت انگشت دو سر هست، چهار انگشت از بیست و هشت انگشت می‌‌شود یک هفتم. پس ما سُبع دائره، یک هفتم دائره‌ای که دور خودمان است این وجه ما است. یک دائره کبری هم هست که ما وقتی نماز می‌‌خوانیم در مرکز این دائره کبری قرار داریم که محیط این دائره کبری از کعبه می‌‌گذرد و هر چه ما دور بشویم از کعبه این دائره کبری بزرگتر می‌‌شود. چون مرکز که ما هستیم از آن محیط فاصله‌اش هر چی بیشتر بشود دائره بزرگتر می‌‌شود. ما در این سُبع دائره صغری مواجه بشویم با سُبع دائره کبری، می‌‌توانیم از سُبع دائره صغری همان چهار انگشت پیشانی‌مان، یک خطی را به سُبع دائره کبری بکشیم. لازم نیست برای استقبال قبله که خط از وسط پیشانی ما به کعبه بخورد. نه، ‌از هر گوشه‌ای از این چهار انگشت که سُبع دائره است بخورد به کعبه کافی است.

ببینید! طبعا خطی که از سُبع دائره صغری کشیده می‌‌شود به او، آن خط وسط مستقیم است و خط‌های اطراف کج هست، می‌‌رود به اول و آخر آن سُبع دائره کبری می‌‌خورد. آن وقت سُبع دائره کبری می‌‌دانید چقدر بزرگ است؟ خیلی بزرگ است دیگه چون دائره کبری خیلی بزرگ است. پنجاه و دو درجه می‌‌شود سُبع دائره، پنجاه و دو درجه از آن دائره کبری که وسطش کعبه واقع شده، ببینید! چقدر وسیع است. آن وقت پنجاه و دو درجه از دائره صغری که محیطش سر ما هست، این از هر بخشی از آن یک خطی کشیده می‌‌شود به آن سُبع دائره کبری. آن وقت ایشان مرحوم آقای خوئی فرمودند که لازم نیست که شما بگویید خط وسط پیشانیم بخورد به کعبه، نه. همین که خط یمین پیشانی شما، یعنی ابتداء این چهار انگشت یا انتهاء این چهار انگشت از طرف راست یا چپ بخورد به کعبه کافی است. و لذا شما این چهار انگشت نسبتش با بیست و هشت انگشت چقدر بود؟ یک هفتم، حدودا پنجاه و دو درجه از سیصد درجه. در این پنجاه و دو درجه می‌‌توانید بیایید سمت چپ این پنجاه و دو درجه، می‌‌توانید سمت راست این پنجاه و دو درجه. تا پنجاه و دو درجه حق نوسان و جولان دارید. طبعا بیست و شش درجه سهم طرف چپ قبله حقیقی می‌‌شود، ‌بیست و شش درجه سهم طرف راست.

و این مواجهه و محاذات حقیقیه است نه محاذات عرفیه. به نظر علمی هم همین است.

من اشکال این مطلب را عرض کنم بعد ببینیم فرمایش مرحوم نائینی و مرحوم آقای بروجردی و مرحوم امام را هم عرض کنیم در این رابطه که مطلب بیشتر روشن بشود.

اشکال این فرمایش آقای خوئی که در واقع اشکال به فرمایش مرحوم نائینی هم هست این است که بلااشکال به نظر ما برای مواجه شدن انسان با یک چیزی باید از وسط عرفی پیشانی‌اش حساب کنیم؛ وسط پیشانی‌اش عرفا رو به آن شیء باشد نه گوشه پیشانی‌اش. و الا شما در مسجد الحرام همه ایستادند وسط پیشان‌شان می‌‌خورد با یک خط مستقیم به کعبه، ‌شما منحرف بشوید به طرف چپ بگویید خب آقا! من دقیق حساب کردم چهار انگشتم را گذاشتم روی پیشانیم بعد به یکی هم گفتم یک لیزر بیندازد از گوشه این چهار انگشت دقیق خورد به گوشه بیت الله الحرام، به سنگ مقدس حجر الاسود، دیگه چه می‌‌خواهید؟ می‌‌گویند بابا! و الله به حضرت عباس عرف نمی‌گوید مستقبل القبلة هستید. باید در استقبال قبله وسط عرفی پیشانی یعنی وسط عرفی صورت، ‌پیشانی که خصوصیت ندارد. من نمی‌دانم چرا گیر دادند به پیشانی و چهار انگشتش کردند؟ آن وجه چرا می‌‌گویند وجه؟ آنی که ما یواجه طرف الآخر است دیگه. وجه چیزی که انسان با او مواجه است. خب استقبال هم به وجه می‌‌شود دیگه. عرفا وقتی که وجه بتمامه باید مقابل یک چیز باشد تا بگویند واجهه نه این‌که مثل آدم‌های قهر این گوشه پیشانیش را خط می‌‌اندازد، آن آقا آنجا ایستاده، می‌‌گوید سلام علیکم، بعد این آقا کج می‌‌شود گوشه پیشانیش می‌‌خورد به آن آقا، می‌‌گوید و علیکم السلام، می‌‌گوید مگه قهری؟ خب رو بکن به من با من حرف بزن. عرف این است.

و لذا کدام عرفی می‌‌پذیرد؟ الان شما بروید در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها نماز مغرب‌تان را حدودا سه درجه به طرف چپ بخوانید، بگویید آقای خوئی گفته بیست و شش درجه با قبله حقیقیه که با گوگل ارث تنظیم می‌‌کنند بیشتر انحراف نباشد، این استقبال قبله است. نماز عشائت هم بروی حدودا بیست و شش درجه، حالا بیست و پنج درجه آن طرف بخوانی. مردم هر کی نگاه کند می‌‌گوید ما نفهمیدیم آن نماز چیه این نماز چیه. آن نماز مغرب است این نماز عشاء است، آخه به کدام دین شما این دو جور نماز را می‌‌خوانی؟

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که ما با ابزارآلات علمی شناسایی کردیم قبله را. خب می‌‌گویید خط قوس کره زمین، با همان خط قوس. یعنی اگر بخواهند یک نامه‌ای را بفرستند، ‌بخواهند لیزرهای قوی که تا مکه می‌‌رود و حالت قوس هم به آن بدهند همین کار را می‌‌کنند. الان برای موشک پرتاب کردن چه جور موشک پرتاب می‌‌کنند؟ بهترین مثال که جالب هم نیست گفتنش پرتاب موشک است. برای پرتاب موشک این‌جوری حساب می‌‌کنند دیگه. حالت قوس بودن را هم حساب می‌‌کنند در کره زمین و دقیق مواجه می‌‌شود به آن سمت. با همین نشانه مشخص شد، این از نظر علمی دیگه تشخیص می‌‌دهند و لذا دقیق می‌‌بینید موشک می‌‌زنند می‌‌خورد به هدف. این بخاطر این است که ابزارآلات علمی این را کشف کردند. حالا که کشف کردی شما بیست و شش درجه این طرف، یعنی بیست و پنج درجه، حالا بیست و شش درجه دیگه حداکثرش است. این ور بیست و شش درجه آن ور بیست و شش درجه این ور، نماز مغرب را این‌جور نماز عشاء را آن‌جور . کی عرف می‌‌پذیرد این را؟

حالا برای افراد جاهل یا ناسی روایت می‌‌گوید ما بین المشرق و المغرب قبلة. حالا آقای بروجردی یک معنای خاصی کردند عرض می‌‌کنم ولی آنی که مشهور معنا می‌‌کنند این است که در حال جهل و نسیان تا کمتر از نود درجه انحراف مشکلی ندارد. اما متعمد، عالما عامدا تسامح بکند، این دلیلی برایش نیست. بله آنی که دلیل بر آن داریم این است که سیره قطعیه مسلمین این بود که با ابزارآلات دقیق نمی‌رفتند سراغ تشخیص قبله. این هست. ولی حالا اگر تشخیص بدهند بعدش باز هم بی‌اعتنایی می‌‌کنند؟ آقای امام جماعت! تا حالا تشخیص نمی‌دانند، خب می‌‌گفتید محراب مسجد مستقیم است، ‌مستقیم نماز می‌‌خواندیم. ولی یک عده جوان آمدند، ‌آشنا هستند با اینترنت، ‌آشنا هستند با گوگل ارث، تعیین کردند قبله مقداری انحراف به چپ دارد. شما می‌‌گویی نه؟ ‌فلان مرجع همین‌جور که من نماز می‌‌خوانم نماز می‌‌خواند؟‌ در حرم امیر المؤمنین می‌‌گویند آقا! قطعا قبله انحراف دارد به طرف راست. حالا که فهمیدی قبله انحراف دارد به طرف راست، دیگه بعد از این معذور نیستی. حالا امام قدس سره مستقیم نماز می‌‌خواند، می‌‌گویی من پیرو خط ایشان هستم؟ یا مرحوم آقای خوئی مستقیم نماز می‌‌خواند، ‌خب مرحوم آقای خوئی عقیده‌اش این بود می‌‌گفت تا بیست و شش درجه اشکال ندارد. اما شما که وجهی نیست برای این کار که این مقدار تسامح بکنی و فهمیدی که نباید این کار را بکنی، دیگه بعد از این عذرت پذیرفته نیست.

[سؤال: ... جواب:] ببینید! من حالا بیست و شش درجه را با او مشکل دارم. درجات دو سه درجه را حالا می‌‌رسیم، این مقدار را شاید عرف نبیند. اینقدر کم است که عرف به دقت عرفیه هم بگوید که نه آقا تو مستقیم داری نماز می‌‌خوانی و لو از نظر دقت علمی بگویند ما اگر می‌‌خواهی این جور دیوار بکشی برای ساختمان سازی مهندس ناظر ایراد می‌‌گیرد، کج است، ‌به نظر دقی عرفی نه به نظر دقتی عقلی شما کج نایستادی، همان مستقیم به طرف کعبه ایستادی، این اشکال ندارد. اما بیست و شش درجه خیلی زیاد است.

حالا مرحوم نائینی کلماتی که از ایشان نقل شده مختلف است آقای خوئی فرموده که مرحوم نائینی مطلب ما را گفتند. در کتاب الصلاة که مرحوم کاظمی خراسانی تقریر کرده جور دیگر بیان شده. آقای حکیم در مستمسک جور دیگر بیان می‌‌کند. حالا چون بیانش خالی از فایده نیست عرض کنیم.

در کتاب الصلاة بله، ‌اصل این مطلب را دارند که ما سرمان مثل دائره صغیره است، ‌به حالت کره است و این دائره صغیره است و ما هر چی دورتر می‌‌شویم از مکه در مرکز یک دائره کبرایی قرار می‌‌گیریم که محیطش می‌‌خورد به کعبه.

بعد این‌جور ایشان می‌‌گوید، می‌‌گوید که ثُمن، یک هشتم دائره صغری همین که مواجه باشد با ثُمن دائره کبری، یک هشتم را می‌‌گوید. تعبیر ایشان این است. منتها بعد که گفتند ثُمن، عبارت ایشان را بخوانم برای‌تان: مواجهة شخص لشخص و القدر المتیقن من الاستقبال انما هو مقدار ثُمن دائرة الرأس تقریبا و هو مقدار اربعة اصابع من مقدم الرأس الذی یکون بین الحاجبین، بین دو حاجت چهار انگشت، و لایعتبر فی صدق الاستقبال المواجهة بکل ما بین الحاجبین، در صدق استقبال شرط نیست که کل این ما بین الحاجبین متوجه کعبه باشد. نه، بل یکفی فی صدق الاستقبال عرفا ان یکون مواجها بجزء مما بین الحاجبین، بحیث لو اخرج خط من المستقبل بالکسر من‌ ایّ جزء من اجزاء جبهته لکان ذلک الخط متصلا الی المستقبل الیه. لازم نیست خط از وسط پیشانی به کعبه کشیده بشود. از دو گوشه پیشانی، ‌منتها پیشانی به اندازه چهار انگشت ما بین الحاجبین حساب کند نه این‌که آن مقداری که در وضوء می‌‌شوری، او که دیگه خیلی زیاد می‌‌شود.

بعد آخرش ایشان این‌جور تعبیر کردند که این دائره صغری مرکزش با آن دائره کبری یکی است؛ همان جایی که مصلی ایستاده نماز می‌‌خواند و این دائره کبری هی چی نزدیک مکه باشی کوچک است. و لذا آنجا بله، صف جماعت نباید خیلی طولانی باشد. این‌که می‌‌بینید در مکه نماز می‌‌خوانند دور کعبه، این نماز فرادی‌شان صحیح است اما بحث جماعت که این سیره متصله نبوده، این چند صد سال است که این‌جور شده. قدیم اصلا در تاریخ می‌‌گویند این‌جور نماز نمی‌خواندند، ‌یک طرف نماز می‌‌خواندند. منتها فرادی چهار طرف می‌‌شود نماز خواند.

[سؤال: ... جواب:] مقصود این است که آن خط مستقیم می‌‌گوییم. جماعت مستقیم در مکه، خب باید طولانی نباشد صفش. اما هر چی دور می‌‌شوی می‌‌توانی صف طولانی‌تر تشکیل بدهی. می‌‌رسی به عراق می‌‌توانی بیست فرسخ علی ما قیل همین‌جوری صفت مستقیم باشد. و این صف مستقیم متوجه کعبه هست.

بعد ایشان آخرش که می‌‌رسد می‌‌گوید که، ‌خوب دقت کنید! می‌‌گوید که انگشتانی که دور سر انسان می‌‌گذارد سی تا انگشت حساب می‌‌کند. آقای خوئی بیست و هشت انگشت حساب کرد، مثل این‌که هر کسی سر خودش را حساب می‌‌کند یا انگشتان‌شان فرق می‌‌کرده، آقای خوئی بیست و هشت انگشت حساب کرد گفت چهار انگشت از بیست و هشت انگشت می‌‌شود یک هفتم. مرحوم نائینی سی انگشت حساب کرده محیط کره رأس، بعد گفته چهار انگشت از سی هست یک هشتم است. خب این‌که یک هشتم نمی‌شود، ‌این می‌‌شود یک هفتم و نیم.

دقت بفرمایید کلام مرحوم آقای حکیم هم که نقل می‌‌کند از مرحوم نائینی ببینیم. ان‌شاءالله فردا بحث را دنبال کنیم.